

# روایت فرهنگ پیشرفت

پژمان عرب

سر دبیر و قائم مقام  
مدیر مسئول

چند هفته قبل در جمع تعدادی از دانش‌آموزان مشهدی بودم. در کتاب شهر مشهد، قرار بود برایشان از پیشرفت‌های چند دهه گذشته کشور صحبت کنم. وقتی بحث به مقایسه پیشرفت‌های ما و غرب کشیده شد همان اول آب پاکی را روی دستشان ریختم. گفتم که ما امروزه حقیقتاً در همه زمینه‌های علمی دنباله‌رو علم روز دنیاییم ولی در این مقطع زمانی ادعای اولین بودن را نداریم. در ادامه تفاوت مفاهیمی مثل «اولین بار در ایران یا در خاورمیانه» را با «اولین بار در جهان» توضیح دادم.

گفت‌وگوی من با بچه‌ها بعد از تأکیدم به این موضوع خیلی راحت‌تر پیش رفت. خیالشان را راحت کردم که ما ادعای اولین بودن در همه زمینه‌ها را نداریم و مدعی نیستیم غرب از ما دارد عقب می‌ماند. ولی بیاییم با مرور داشته‌های فعلی ببینیم کجا ایستاده‌ایم. به این صورت شاید باور کنیم «فتح» شدنی است. آن هم نه اینکه باور کنیم «ما می‌توانیم» بلکه یک گام جلوتر برویم و یقین پیدا کنیم که «ما توانسته‌ایم».

برای بچه‌ها از موفقیت‌های داشتیم گفتم از سلول‌های بنیادی و دانش پیشرفته شبیه‌سازی حیوانات گرفته تا عضویت در باشگاه ده کشور فضایی جهان را گفتم و یادآوری کردم به جایی رسیده‌ایم که می‌توانیم ماهواره و موجود زنده به فضا بفرستیم و اطلاعات و عکس‌های ماهواره را با ایستگاه تماماً ایرانی‌اش دریافت کنیم. گفتم که امروز در زیست‌فناوری و تولید داروهای نو ترکیب کلی حرف برای گفتن داریم و نزدیک به سی داروی استراتژیک تا به امروز تولید کرده‌ایم.

از اینجا به بعد، بچه‌ها با شوق و ذوق می‌شنیدند و من همین‌طور یک‌به‌یک حوزه به حوزه، بخش به بخش آنچه را که دانشمندان و متخصصان جوان ایرانی فتح کرده‌اند را ردیف کردم و سؤال کردم به نظرتان ما واقعاً به اندازه همین پیشرفت‌ها و دستاوردها، احساس موفقیت و امید می‌کنیم؟! آیا حس و روایتی از این موفقیت‌ها به ما منتقل شده است؟! اطلاعی از چگونگی طی این مسیر داریم؟! آدم‌ها و دانشمندان پشت این دانش‌ها و فتح‌ها را می‌شناسیم؟! جواب منفی بچه‌ها از نگاهشان پیدا بود.

ادامه دادم ما حتی از جغرافیای این آدم‌ها و موفقیت‌ها اطلاعی نداریم. پرسیدم مثلاً شما که مشهدی هستید تا حالا اسم شرکت «آهار» که یکی از بهترین مجموعه‌های دانش‌بنیان کشور در مشهد است را شنیدید؟! اطلاعی از موفقیت‌ها و کارهای نشدنی که دو جوان مشهدی با وجود تحریم‌های سنگین در کشور کرده‌اند دارید؟ گفتم نه شما که ماها هم تا قبل از اینکه سراغشان برویم و روایتشان را بشنویم نمی‌دانستیم «آهار» ی است که پنجه در پنجه گول‌هایی مثل زمینس و جنرال الکترونیک آمریکا انداخته. چه کسی می‌تواند توانمندی این مجموعه در حوزه نیروگاهی کشور را انکار کند حالا که نه تنها پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌های استان‌های مختلف کشور این دو جوان مشهدی را می‌شناسند بلکه کشورهای منطقه هم آوازه آن‌ها را شنیده‌اند و برند معروفی در حوزه کاری خودشان هستند. گفتم که تمرکز اصلی ما در روایت پیشرفت صرفاً روایت خود محصول و فناوری

نیست. البته آن را هم روایت می‌کنیم ولی از فناوری مهم‌تر برای ما انسان پشت این فناوری است. روایت زیست و جهان این انسان‌ها برای ما مهم‌تر است چون ما خودمان را راوی فرهنگ پیشرفت می‌دانیم و دنبال انتقال نرم‌افزار و نگرش و جهان‌بینی و مسئله محوری هستیم و بابت همین هم هست که کار ما تألیف کتاب کارآفرین قهرمان نیست که بیاید بگوید چگونه با واردات فلان دستگاه و تولید کلوچه می‌لاریار شده. نه! اتفاقاً ما سراغ آدم‌هایی می‌رویم که با علم به تنگناها و سختی‌های مسیر، خودآگاهانه مسیر استقلال و خوداتکایی کشور را دنبال کردند چون مدل رشد و تربیت و حرکت این آدم‌هاست که برای ما مهم است.

در آخر به بچه‌ها گفتم جنس این آدم‌ها فرق می‌کند. باید حتماً روایتشان را بخوانیم تا بدانیم که شاید از همین دکتر بهاروند‌ها و دکتر مهبودی‌ها و دکتر نصر اصفهانی‌ها یا دکتر منوچهر منطقی‌ها و مهندس صابر میرزایی‌ها و دکتر مرتضی فرهادی‌ها با سوادتر هم در دانشگاه‌ها و محیط علمی کم نداشته باشیم ولی چرا برای ما این جنس آدم‌ها مهم‌اند؟ روایت فرهنگ پیشرفت برای جواب به همین سؤال‌هاست برای نشان دادن فرهنگ زیسته شهریاری‌ها، علیمحمدی‌ها، فخری‌زاده‌ها و... برای شناختن صدها نفر امثال ایشان که ماها هم هنوز نمی‌شناسیمشان، چون سراغشان نرفته‌ایم ولی موتور پیشران حرکت کشور ما در علم و فناوری بوده‌اند و هستند. گفت‌وگوی ما با بچه‌ها حتی به روایت پسرقت‌ها و موانع و تحریم داخلی هم رسید؛ ولی به پایان نرسید چرا که شروع تازه‌ای بود برای جور دیگر شنیدن و دیدن حرکت ملتمان...